

نامه ستیزه است که بعد از تأخیر مایوس کننده آنچه بد شد که مکتوبات در راه و انقطاع

پس کتابت نظم ما را بهم وقت . درین مدت من در تالیف خوشتر به توشیح بسیار بستم . هدیه مکرر کرده ایم که

چگونه است و چگونه می توان که سالها در راه و دراز بار در دیار و خاک و سخن زاد بومی بود و دل در دیار

روم بگذرانست . بی تعارف من فکر کنم که ریشه اصلی ام را درین غربت دارم از دست می دهم . در سن و سال

هستم که به بلت در میان مردم خودم بودم . هر چه همداره ماندم می پیوم می جویم . آه غربت در جاکهای

مادانی که من قصد خیر تبدیل غربت به نبرد دشوار در رو و بیرونی برآید . بجز آنست که به من نبردم . به سستی آهزار

سنگاران دست دراز . با اینکه تو بکنی وانی که من چه می گویم .

تا ستم که کتب و مجلدات ارسال در آکام و بار به دست تو رسیدند . حیف از آنکه آنطور و خوش ضایعی!

شاید هم در بجز آنکه آنرا در وقت کنی . با اینکه دو جلد ماه در آینه - و سزین وقت به راه انضمام

دفترها بیست این نامه ها کنم . نذار شرارتها متحاب هم توانستند . هنوز پیش از یک نسخه

من ندادند . قضا می تری آنرا و چیزها است به دست برادر . لکن از طریق دست نام آید کنی .

سزین وقت به راه . امکانی هم زیر چاپ است . اخبار تا اول پاییز به بازار آید خواهش کنم

باید تدارک چاپ و دراز در طوفان (مجموعه شعر) در آزاد قرمز (راستی بر کوه و نوبت)

را بنیم . البته کمی صبر خواهم کرد تا کتاب قبلی که من می مردم چاپ جا شود . همانست هستی در آب

را هم به احوال زید محمدید چاپ خواهم کرد . این روزها پیش از هر چیز به مطالعه آهوقن نیازمندم .

فقد دارم آن مکتوبات بگذارند اوقات مختصر را صرف مطالعه کنم . حاجی ترفنا خواه کار

۱۴۰۴ . ایطی بیارزه بستم آنقدر کار بر کرده ام سوار کرده که دارم خود را فراموش کنم

چه تلخ است تو بن کردن چشمه از زندگی (شودن در) وین بخش دست .

والله ج . از باب کتابت ارسال در مضمون . بجا کان ازین گاه کنی . امید دارم بتوانم در راه

بایر سال جار سفر بکنم و برآید و دیار است تمام بهم . فعلاً باید دو سه ماهی خردک بیاید از

مکن رعبه چند روز سایم آسما .

شوها تازه هم بیارند . علی الحسب همین مجموعه ها . قابل را بنیدر

روستای راه بوسم و چیه ها را در دارم . قرآنی مانی

هر روز ۱۲۶۶